



نکاتی در خصوص رونق تولید

(رویکردها، چالش ها، راهکارها)

مقدمه:

ساختار اجتماعی و نحوه برقراری نظم است که سبب شکل گیری توسعه می شود. کشورهایی که بتواند ساختار خود را بر اساس رقابت و دسترسی عموم افراد به امتیازات ناشی از رقابت ایجاد کنند به توسعه دست پیدا می کنند. جوامعی که ساختار خود را بر اساس محدودیت در دسترسی به رقابت ایجاد کنند در نیل به توسعه ناموفق خواهند بود " (داگلاس نورث-برنده نوبل اقتصاد ۱۹۹۳)

- تجربه های فراوانی از کشورهای صادر کننده نفت و کشور ما وجود دارد که نشان می دهد سیاستهای حمایتی مستقیم از تولید به گسترش بخش دولتی، رانت جویی، فساد مالی و ناکارایی در جغرافیایی اقتصادی و توسعه نامتوازن و اتلاف منابع مالی دولتی و بانکی منجر شده است.
- از مجموع ۸۷۲ ماده قانونی برنامه های اول تا ششم توسعه، ۱۶۰ ماده (حدود یک پنجم، ۱۸ درصد) به حمایت از تولید اختصاص داشته است. بیشترین مواد حمایت از تولید در قانون برنامه چهارم (۲۵ درصد) و کمترین این نوع حمایت در قانون برنامه اول (۱۵ درصد) بوده است.
- علاوه بر این، ۳۵۸ حکم مربوط به حمایت از تولید در ۶ قانون برنامه توسعه وجود دارد. بیشترین احکام در قانون برنامه چهارم (۹۸ حکم) و کمترین احکام با هدف مورد بحث در قانون برنامه اول توسعه (۱۱ حکم) بوده است.
- انواع حمایت ها از تولید به ۲۰ گونه دسته بندی شده اند که عبارتند از: ارزی، بیمه ای، تامین مالی، ترجیحی، تشکیلاتی، تضمین خرید محصولات، تعرفه ای، دسترسی به بازار، دیپلماتیک، رسانه ای-تبلیغاتی، رقابت و تسهیل ورود، زیرساختی، فنی و آموزشی، قضایی، کلی، مالکیت معنوی، مالیاتی، مقرراتی، منطقه ای و یارانه نهاده ها.
- بیشترین نوع حمایت، حمایت از طریق تامین مالی (در مجموع ۷۹ حکم؛ ۲۲ درصد) و کمترین نوع حمایت، حمایت دسترسی به بازار (در مجموع ۲ حکم؛ ۱ درصد) بوده است. به عبارتی به لحاظ کمی یک پنجم احکام ۶ برنامه توسعه در جهت حمایت از تولید به تامین مالی به ویژه از طریق اعطای تسهیلات بانکی به تولید اختصاص داشته است.

- حمایت از تولید از حیث بخشی در ۱۰ بخش صورت گرفته است شامل بخش‌های: انرژی، حمل و نقل، ساختمان و مسکن، سایر خدمات، صادرات غیر نفتی، صنعت، چند بخشی، فنی و مهندسی، کشاورزی و معدن.

- در مجموع احکام موردی در طی برنامه‌های توسعه‌ای، بیشترین حمایت در خصوص بخش کشاورزی (۲۷ حکم؛ ۱۵ درصد) و کمترین حمایت موردی در خصوص بخش ساختمان و مسکن (۶ حکم؛ ۳ درصد) صورت گرفته است. در طول ۶ برنامه توسعه مجموعاً ۱۴ حکم در حمایت از صنعت و ۷ حکم در حمایت از معدن تصویب شده است (۲۰ درصد احکام مصوب)

• سوال:

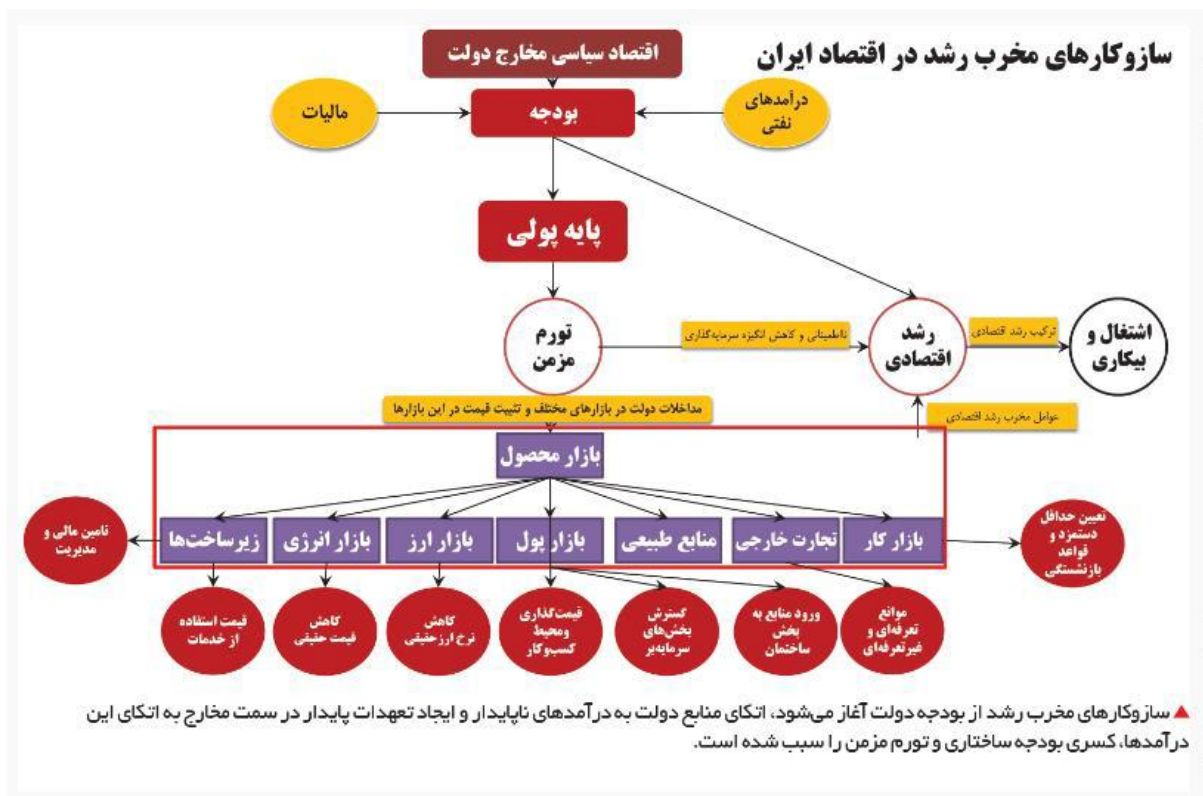
چرا علیرغم این میزان مواد قانونی و احکام صادره در برنامه‌های توسعه‌ای اما وضعیت تولید رضایت بخش نیست؟ مثلاً چرا با آنکه ۲۰ درصد احکام حمایت از تولید به تامین منابع مالی به ویژه تسهیلات بانکی به تولید اختصاص داشته است اما همچنان بیشترین مشکل تولید از نظر فعالان اقتصادی "مشکل دریافت تسهیلات از بانک هاست"؟

- محیط اقتصاد کلان، یکی از مهمترین مولفه‌های محیط کسب و کار است که تاثیر بسزایی بر کارآفرینان و کسب و کار آنها دارد. میانگین شاخص بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان برای ایران در طی سالهای ۲۰۱۴-۱۹۹۱ برابر است با ۱۱/۲ که بسیار بالاتر از میانگین جهانی (۶/۴) و میانگین در همه گروه‌های کشورها حتی کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت (۷/۴)

- از مهمترین شاخص‌های بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان "کسری بودجه" است که با استفاده از رانت‌های نفتی تزریقی به بودجه در سطح پایینی قرار گرفته است. اما تاثیر خود را چنانکه در سازوکار زیر مشخص است بر تخریب روند رشد اقتصادی و تولید کالای داخلی نشان می‌دهد.

انجمن نورد کاران فولادی ایران (انفا)

Iranian Steel Rolling Association



- دولت میل به خرج کردن دارد (مالیات و نفت) ← قیمت نفت ناپایدار و کاهش قیمت آن ←
- کسری بودجه ← بدهی دولت به بانک مرکزی و بدهی بانکها به بانک مرکزی افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی ← تورم
- مبارزه دولت با گرانی و کنترل قیمتتها و قیمتگذاری به جای مبارزه با تورم ← زیان دهی بنگاهها ←
- اعتراض تولیدکنندگان ← انرژی ارزان (مصرف بالاتر انرژی، تمایل به محصولات انرژی بر)، وام ارزان قیمت (تشدید مشکلات نظام بانکی)، نرخ ارز جدا از تورم (مواد اولیه ارزانتر و افزایش واردات) افزایش تعرفه واردات، تأمین زیرساختها به قیمت ارزانتر ← کمبود منابع دولت ← انواع رانت، افزایش قاچاق ← تضعیف تولیدات داخلی.
- ✓ تصویری که ارائه شد، متضمن تغییرات بزرگی است و تغییر مسیر اقتصاد را ترسیم می کند: جای منتفع شوندهگان و متضررشوندهگان تغییر کند.
- ✓ تداوم سیاسی ۳۰ ساله، بدین مفهوم که منتفع شوندهگان این سیاستها، از قدرت بیشتری نسبت به متضررشوندهگان برخوردارند.
- ❖ با پارادوکسی مواجه ایم که چگونه ممکن است منتفع شوندهگان از سیاستهای فعلی، بپذیرند که در فرآیندی که نتیجه آن تضعیف این گروه است، قرار گیرند؟ در واقع، این پارادوکس به عامل اصلی شکست سیاستهای کشور تبدیل می شود.

بدین معنا که طی دهه ها آنچه حاکم بوده است:

- ۱- تشتت آرا در سیاست گذاران و نبود یک نگرش منظم و واحد در خصوص راهکارهای رشد تولید داخلی.
- ۲- فقدان وجود یک استراتژی مشخص توسعه اقتصاد صنعتی.
- ۳- عدم وجود یک نهاد مرکزی مدیریت کننده نوع حمایت‌ها.

راهکارهای ایجاد محیط اقتصاد کلان با ثبات به عنوان مهم ترین مولفه کسب و کار :

- سیاست مالی مناسب : ایجاد انضباط مالی، پایدارسازی منابع بودجه دولت، کاهش هزینه‌های غیر ضرور دولت و فروش دارایی‌ها و کاستن از ابعاد تصدی بخش عمومی.
- سیاست پولی مناسب : کنترل رشد حجم نقدینگی و نرخ تورم، ایجاد انضباط در سیستم بانکی و ثبات بخش مالی و کاستن از نرخ سود تسهیلات به طریق غیر دستوری.
- سیاست ارزی مناسب : تعدیل تدریجی نرخ ارز اسمی و جلوگیری از انتقال شک ها و بی ثباتی جهانی به اقتصاد کشور.

پیش نیازهای تحقق اقدامات فوق عبارتند از:

- ۱- دستیابی به یک اجماع و اراده سیاسی در سطوح بالای تصمیم گیری کشور نسبت به لزوم تغییر مسیر اقتصاد و پذیرش لوازم و مقدمات آن است.
- ۲- اجرای کامل و غیرگزینشی بسته های سیاستی و اجتناب از بخش نگری و جزئی نگری در اصلاحات اقتصادی است.
- ۳- همراه کردن یا حداقل اتخاذ تدابیری برای مدیریت آثار کارشکنی و مخالفت گروه های ذی‌نفع است.
- ۴- چاره جویی برای افزایش ظرفیت های اداری و اجرایی و کارشناسی دستگاه های دولتی است.

نکته پایانی :

- در اقتصاد، نه معجزه وجود دارد و نه بن‌بست.
- نه می‌توان انتظار داشت که ناگهان تغییری اساسی رخ دهد و نه ناامیدی معنا دارد.
- چنین باوری وجود دارد که اقتصاد می‌تواند مسائل خود را حل کند اما حل این مسائل، مشروط بر وجود اراده سیاسی و راه حل‌های سازگار ، ممکن و قابل اجراست... به محض آنکه اقتصاد نه در گفتار بلکه در عمل ، به اولویت اصلی کشور تبدیل شود، این مجموعه سیاست‌ها به خوبی و با اثربخشی بالا می‌تواند کاربرد داشته باشد.

منابع :

- الگوی راهبردی حمایت از تولید ۱ ، ۲ و ۳ بهمن ۹۴ ، تیرماه ۹۵ و مرداد ۹۶ مرکز پژوهش‌های مجلس - دفتر مطالعات اقتصادی
- "چرخه تخریب و تضعیف" ، دومین کنفرانس اقتصادی ایران ، دکتر مسعود نیلی ، دی ماه ۹۶

انجمن نورد کاران فولادی ایران (انفا)

Iranian Steel Rolling Association